



کارگران جهان متحد شوید!

ارگان سازمان اتحاد فدائیان کمونیست - شماره ۲۲۱ خرداد ۱۴۰۳



سرمقاله

رانت خواران و قاتلان و فریبکاران در لیست "انتخابات"

با مرگ ابراهیم رئیسی که بواسطه چهار دهه جنایت و مشارکت در قتل عام زندانیان سیاسی در سال ۶۷ به آیت‌الله اعدام معروف بود، انتخابات ریاست جمهوری اسلامی زودتر از موعد، در تاریخ هشتم تیر ماه برگزار میگردد.

برخی‌ها تصور میکردند که مرگ رئیسی به آشفتگی و بحران در حکومت دامن خواهد زد. اما از شواهد و قرائن چنین برمیاید که مرگ او همچون نعمتی آسمانی بهترین فرصت را برای حاکمان فراهم کرده است تا به خیال خود بتوانند مطابق با تحولات جاری وضعیت آشفته و درمانده خود را سر و سامان دهند.

ابراهیم رئیسی در خرداد ۱۴۰۰ در یک نمایش مضحک انتخاباتی که در آن بنا به اعتراف رژیم بیش از ۵۲ درصد از واجدین شرایط در کل کشور و ۷۵ درصد از واجدین شرایط در تهران در انتخابات شرکت نکردند و علاوه برآن بیش از ۴ میلیون نفر هم رای باطله به صندوق‌ها ریختند، بنا به فرموده در مسند ریاست جمهور اسلامی جلوس کرد.

او در هنگام انتخابات وعده و وعید‌های زیادی مبنی بر مهار تورم، بهبود وضعیت معیشتی و رفاهی جامعه و حل مشکل مسکن و بهداشت

ادامه در صفحه ۲

کارگران "ارکان ثالثی" کدام بخش از نیروی کار هستند و چه میخواهند؟

در گستره‌ی استثمار نیروی کار در ایران هیچ قاعده و قانونی وجود ندارد، اگر هم وجود داشته باشند اصلا رعایت نمی‌شوند. در واقع میشود گفت که بر بازار کار ایران قانون جنگل حاکم است. استثمارگران چه در قالب دولت و چه بخش خصوصی دست در دست هم تا جائی که تیغ شان میبرد از کارگران کار میکشند و تا جائی که می‌توانند حق و حقوق آنها را زیر پا میگذارند و به کسی هم پاسخگو نیستند.

ادامه در صفحه ۶

گرامی باد یاد ستاره سرخی

اطلاعیه شورای مرکزی



ادامه نسل کشی در فلسطین و جنایت هولناک در رفح

رژیم نژادپرست اسرائیل درادامه نسل کشی فلسطینی‌ها، درحمله‌ای وحشیانه گذرگاه رفح و اردوگاه آوارگان فلسطینی را بمباران کرد و متعاقب آن با حمله زمینی به این منطقه که آخرین پناهگاه مردمان جنگ‌زده و آواره فلسطینی‌ها است، بیش از ۴۸ نفر از مردم را کشت و صدها نفر زخمی برجای گذاشت

ادامه در صفحه ۹

به نام سعید سلطانیپور

در صفحه ۸

اطلاعیه شورای مرکزی

حمید نوری محکوم به حبس ابد، از زندان سوئد آزاد و وارد زندانی بزرگتر بنام ایران شد

در صفحه آخر

عنوان مطالب دیگر

تصمیم دادستان دادگاه کیفری بین المللی مایه شرمساری اسرائیل است"

در صفحه ۴

"درسهایی از مائو"

در صفحه ۱۰

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی، برقرار باد جمهوری فدراتیو شورائی!

رانت خواران و قاتلان

و فریبکاران، در لیست "انتخابات"

ادامه از صفحه ۱

و تعادل در سیاست خارجی و غیره را سرداد، اما در عمل بحران اقتصادی تداوم یافت، تورم بطور بی‌سابقه ای افزایش پیدا کرد، بیکاری، بی‌مسکنی و فقر و نداری بخش باز هم بیشتری از توده‌های مردم را در چنبره خود گرفتار نمود و سیاست خارجی در تناقض بین گرایش شرقی و غربی و درگیریهایی منطقه گرفتار آمد. در این دوره سه ساله ریاست ایشان میلیونها نفر دیگر به زیر خط فقر رانده شدند. هم زمان اعتصابات و اعتراضات کارگران و زحمتکشان و مبارزات گسترده اقشار محروم، تحت ستم و استثمار و تبعیض و نابرابری بر علیه حاکمیت اوج گرفت و در جنبش "زن - زندگی - آزادی" به اوج خود رسید.

در پیش گرفتن سیاست سرکوب خونین اعتراضات اجتماعی و کشتار پیر و جوان و کودکان در کوچه

ها و خیابانها و دستگیری و اعدام‌های گسترده آزادیخواهان در همه سطوح از جمله کارنامه دوران ریاست جمهوری ایشان بود که نتایج خودش را در رویگردانی گسترده مردم حتی بخش زیادی از طرفداران و وابستگان به دستگاه قدرت را نیز در بر گرفت. این وقایع تاریخی مهر عدم مشروعیت کامل رژیم حاکم را برای چندمین بار بر پیشانی او حک کرد. بویژه عدم مشارکت مردم در نمایش انتخاباتی مجلس ارتجاع، تائیدی دگرباره بود بر وجود شکاف عظیم بین صاحبان قدرت و ثروت و اکثریت توده های مردم و نیز تاکیدی چند باره بر ضرورت سرنگونی انقلابی کلیت نظام حاکم که یکی از شعارهای محوری همه جنبشهای انقلابی در ایران محسوب میشود.

رژیم نامشروع گرفتار در بحران عدم مشروعیت آشکار، که خود را با خیزشهای خشم‌آگین مردم مواجه میدید اکنون با مرگ رئیسی فرصتی بدست آورده است تا بار دیگر سیاستهای عوامفریبانه و فریبکارانه خود را بکار گیرد. این بار درانتخابات ریاست جمهوری بدقت مهندسی شده، لیستی از کاندیداهای ذوب شده در ولایت فقیه و گوش

بفرمان را از قوطی شعبده بازی شورای نگهبان بیرون آورده است تا بلکه بتواند ضمن گرم کردن تنور انتخابات، تیمی منطبق با تحولات داخلی، منطقه و جهان را به روی صحنه بیاورد.

اینکه در طراحی رهبران رژیم در پیشبرد اهداف ایشان چه پارامترهای دخیلی محاسبه و در نظر گرفته شده است و آیا در پیش‌برد آن موفق و یا ناموفق خواهند بود، به عوامل متعددی بستگی دارد که در اینجا فرصت پرداختن به یکایک آنها نیست. آنچه مسلم است اکثریتی از توده های مردم بار دیگر فریب نخواهند خورد زیرا بویژه میبینند که هر تغییری که در ترکیب کاندیداهای تایید صلاحیت شده داده شده باشد، لاجرم از دایره قاتلان و رانت خواران و فاسدان ذوب شده در ولایت فقیه فراتر نمی‌روند و اصلاح‌طلب و اصولگرا همه سر و ته یک کرباسند و قبلا امتحان‌شان را پس داده اند و هیچ توهمی به تغییرات مثبت حتی در حد اصلاحات جزئی که بخش ناچیزی از خواسته های مردم را برآورد بکند، ندارند.

ادامه در صفحه ۳

جلاد شیاد و مترسکان قاتلش در خیمه شببازی انتخابات

من با مشتم به

سرنگونی انقلابی

ایم رژیم

رای میدهم



متولد در مهاباد و تکلم به دوزبان ترکی و کردی و منتقد نظام در عین فرمانبری از ولایت فقیه، درمقابل افرادی نظیر قالیباف، پورمحمدی و جلیلی و، سید امیرحسین قاضی زاده هاشمی و زاکانی که طشت رسوائی‌شان بر سر هر بامی زده شده است، دقیقاً بمنظور گرم کردن تنور انتخابات با توهم شرکت گسترده مردم آذربایجان و کردستان در آن است. و چنین است که در فضائی از بی تفاوتی و سکون و سکوت اولیه به یکباره خبرگزاریهای داخلی و خارجی وارد میدان شده و هیمنه هرچه گرمتر شدن تنور انتخابات را فراهم میکنند.

اما توده‌های زحمتکش مردم، کارگران، زنان، جوانان، اهالی فرهنگ و هنر، دانشجویان، خلقهای تحت ستم و استثمار و بطور کلی مبارزین علیه ستم و تبعیض و نابرابری که بیش از چهل سال عوام‌فریبیهای رژیم و جناح‌های مختلف درون آنرا تجربه کرده اند، نباید بار دیگر در گرداب فضای ایجاد شده در رسانه‌های جمعی و رادیو تلویزیونهای زینفع گرفتار شوند. چرا که آنها به تمامی از نمایشات عوام‌فریبانه اصولگرا و اصلاح‌طلب مدتهاست که عبور کرده اند و میدانند که شرکت در چنین مضحکه انتخاباتی جز تداوم ستم و استثمار و تبعیض و نابرابری و فقر و نداری نتیجه دیگری در بر نداشته و نخواهد داشت. و بجای بازی در بساط استثمارگران و ستم پیشه‌ها و دزدان و رانت خواران، باید در تدارک سرنگونی انقلابی رژیم بود که هرگونه آزادیهای سیاسی و حق انتخاب و تعیین سرنوشت را از توده‌های زحمتکش مردم سلب نموده است.

گفته خود اش ذوب شده در ولایت فقیه، تا جائی که میتوانند به رژیم جمهوری اسلامی برای داغ کردن تنور انتخابات و رسیدن به اهداف اش یاری می‌رسانند و با تبلیغات گسترده خود این توهم را دامن میزنند که با تأیید صلاحیت مسعود پزشکیان "اصلاح طلب" گوئیا کشتی بان را سیاستی دیگرآمده است و نظام با وارد کردن یک نفر از خود و منتقد خود، قرار است اصلاحاتی صورت دهد و حداقل برخی از انتظارات اپوزیسیون خود و نیز بورژوازی طرفدارغرب در داخل و خارج کشور و بخش مهمی از خورده‌بورژوازی و تجار و اعیانا اقداری از مردم و جوانان خواهان تغییر را بر آورده سازد.

در میان پنج کاندیدای جبهه پایداری، مداحان، پاسداران و مسجیدی‌ها و منبری‌ها که سراپا آغشته به فساد، جنایت و رانت‌خواری هستند، جا دادن مسعود پزشکیان نماینده مجلس و وزیر بهداشت روحانی و منتقد ظاهری حاکمیت و مخالف ضمنی با تعرض به زنان و دختران، تصویری به جامعه ارائه میدهد که نظام و در راس آن خامنه‌ای با استفاده از مرگ رئیسی و انتخابات زود هنگام در پی انتخاباتی پر شور و حضور مردم در پای صندوقهای رای است تا در حدی که میتواند برای نظام مشروعیت حداقلی دست و پا کند. چون در اصل تفاوتی نمیکند چه کسی و از کدام جناح و با چه ادعاهائی رئیس جمهور این نظام بشود. زیرا که طرف چه اصولگرا باشد و چه اصلاح طلب، در این نظام تصمیمات ولی فقیه اصل است و دیگران تدارکاتچی‌هایی بیش نیستند.

تأیید صلاحیت مسعود پزشکیان آذربایجانی و

... رانت خواران و قاتلان

و فریبکاران، در لیست "انتخابات"

ادامه از صفحه ۲

این حقیقت را خود سردمداران رژیم و حامیان خارجی آنها نیز میدانند. اما نباید فراموش کرد که عاملان نظام سرمایه داری از جمله نظام حاکم در ایران، همیشه تضاد و تناقضات و رقابت و کشمکش بر سر دست‌درازی به منافع یکدیگر را در درون خود دارند و همواره در حال جناح‌بندی و ائتلاف و جدائی و جنگ قدرت و ثروت با هم هستند، اما در عین حال در حفظ و حراست از نظام طبقاتی با هم متحدند و طبیعتاً در رقابت سرمایه‌داران و دولتهای خارجی نیز هر کدام توسط گروهی از سرمایه‌داران، انحصارات و دول معظم سرمایه‌داری حمایت میشوند که موثرترین وسائل ارتباط جمعی و رسانه‌های پر قدرت را در اختیار دارند. از این رو نباید تاثیرشان را در تحولات داخلی دست کم گرفت. میتوان گفت که بیشترین سرمایه گذاری رهبران و استراتژیست‌های جمهوری اسلامی که از فریب مردم نا امید شده اند، بر روی نقش و تاثیر این پارامترهای داخلی و خارجی انجام گرفته است.

غوغائی که بعد از انتشار لیست تأیید

صلاحیت شدگان براه افتاد

بعد از اعلام لیست تأیید صلاحیت شده‌ها از سوی شورای نگهبان که ابتدا با سکوت و بی‌اعتنائی رسانه‌ها مواجه شده بود، بفاصله اندکی بعد از آن شاهد براه افتادن طوفانی از مصاحبه‌ها، گفتگوها و مباحث در مدیای داخل و رسانه‌های نظیر بی بی سی - ایران اینتر ناسیونال - صدای آمریکا - رادیو فردا - و سایر رسانه‌های وابسته به امپریالیستها و قدرتهای جهان و منطقه بودیم که به بهانه حضور سعید پزشکیان اصلاح‌طلب و به

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست بر آن است که بدون تجهیز توده‌های کارگر و زحمتکش به سلاح آگاهی و شکل، جنبش‌های اجتماعی با خطرات زیادی مواجه بوده و خواهند بود. ما در پی گیری مشی انقلابی بنیان‌گذاران سازمان مبنی بر تلاش جهت رفع پراکندگی و ایجاد زمینه‌های نظری و عملی اتحاد نیروهای پیشرو جامعه از هیچ کوششی فرو گزار نکرده و نخواهیم کرد. به ویژه در شرایط کنونی اتحاد صفوف فدائیان کمونیست می‌تواند گام مهمی در راه وحدت و همکاری نیروهای انقلابی درون جامعه و نیز گامی در جهت اتحاد تمام نیروهای انقلابی و پیشرو جامعه در یک جبهه انقلابی باشد.



تصمیم دادستان دادگاه کیفری بین المللی مایه شرمساری اسرائیل است

نویسنده: جوناله لونوار

مترجم: حماد شبیانی

نادرست رخ می دهد: رسانه های اسرائیلی به طور بسیار محدود در مورد آنچه اسرائیل واقعاً در نوار غزه انجام می دهد، به افکار عمومی گزارش داده اند.

م. پ: آیا این واکنش نشان دهنده وضعیت جامعه اسرائیل، هفت ماه پس از ۷ اکتبر است؟

م. ک: جامعه و رهبران اسرائیل هنوز با ۷ اکتبر زنده هستند و این در واقع تا حدودی واکنش منفی نسبت به درخواست کریم خان را توضیح می دهد. همه صحبتها در مورد اتفاقی است که در ۷ اکتبر برای ما رخ داد. از جمله حتی شعار مربوط به گروگانها: "آنها را به خانه بیاور، همین حالا".

به جز گروه کوچکی از افراد منتقد که رسانه های بین المللی را دنبال می کنند، اسرائیلی ها نسبت به آنچه در غزه اتفاق می افتد کاملاً کور هستند. آنها علاقه ای به این موضوع ندارند. آنها در ضربه روحی که خورده اند محبوس شده اند و فاقد تفکر انتقادی هستند. ارتش و تبلیغات دولتی هم تمام تلاش خود را می کنند تا آنها را در همان شرایط روحی ۷ اکتبر نگه دارند. بنابراین جنگ همچنان به عنوان عملیات انتقامی تلقی می شود. ۷ اکتبر همه چیز را توجیه می کند. بحث عمومی جدی درباره جنگ وجود ندارد.

نظام حقوقی اسرائیل کاری نمی کند که ارتش را از ارتکاب جنایات جنگی و جنایت علیه بشریت باز دارد.

اسرائیل بوده است. او به درخواست دادستان ICC واکنش نشان می دهد و وضعیت جامعه خود را مورد تجزیه و تحلیل قرار می دهد.



مدیاپارت: اعلام درخواست کریم خان چه تاثیری داشت؟

مناخیم کلاین: جامعه اسرائیل نفهمید و نخواهد فهمید. با این حال دو واکنش بروز کرد. اولین واکنش، که تقریباً یک واکنش پاولوفی و خودکار است، این بود که: "آنها یهودستیز هستند، از ما متنفرند" و ... واکنش دیگر، آنهم همراه با استدلال ضد یهود، این است: "ما هیچ اشتباهی نکردیم! خیلی ساده، ما از خود دفاع کردیم. ما بودیم که مورد حمله قرار گرفتیم. شرم آور است که آنها ما را با تروریستهای حماس هم ردیف می کنند."

در اسرائیل یک نوع ناتوانی در درک دیدگاه بیرون از خود، دیدگاه کل جهان غرب، وجود دارد. جامعه اسرائیل نگاه غرب به اسرائیل را درک نمی کند. این امر به ویژه به دلیل تبلیغات و اطلاعات

مناخیم کلاین استاد علوم سیاسی در اسرائیل است. نوشته زیر واکنش اوست به درخواست دادستان دیوان کیفری بین المللی در خصوص حکم بازداشت نخست وزیر و وزیر دفاع اسرائیل

دوشنبه ۲۰ می، دادستان دادگاه کیفری بین المللی، کریم خان، به دلیل ارتکاب جنایت علیه بشریت و جنایات جنگی علیه سه رهبر حماس:

یحیی سنوار، رئیس حماس در نوار غزه، محمد دیف که ریاست شاخه مسلح در فلسطین را به عهده دارد، و اسماعیل هنیه، رئیس هیئت سیاسی جنبش حماس، تقاضای صدور حکم بازداشت را تقدیم دادگاه کرد.

صدور همین حکم، دقیقاً به همان اتهامات، علیه بنیامین نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل و وزیر دفاع او یوآو گالانت نیز تقاضا شد که واکنشهای بسیاری برانگیخت.

همسان خواندن رهبران حماس و اسرائیل در فضای سیاسی اسرائیل و بخش بزرگی از افکار عمومی این کشور، خشم زیادی را برانگیخته است.

مناخیم کلاین، استاد علوم سیاسی، عضو سابق هیئت مدیره سازمان حقوق بشر اسرائیل (B'tselem) و مذاکره کننده سابق با فلسطینی ها، از ۷ اکتبر از صداهای مخالف در

... تصمیم دادستان دادگاه کیفری

بین المللی مایه شرمساری

اسرائیل است

ادامه از صفحه ۴

م. پ: آیا سیلی صاعقه وار کریم خان عواقبی خواهد داشت یا این مخالفتی که شما توصیف می کنید به این معناست که همه چیز مثل قبل ادامه خواهد داشت؟

م. ک: تصمیم کریم خان سیلی نیست که فقط به صورت بنیامین نتانیاها و یوآو گالانت زده شده است. این مایه شرمساری اسرائیل است. من به عنوان یک انسان، به عنوان یک یهودی و به عنوان یک اسرائیلی این را می گویم، شرم آور است که به اینجا رسیده ایم. و شرم آور است که رهبران اسرائیل نمی توانند آن را درک کنند، نمی توانند آن را به رسمیت بشناسند و کاملاً آن را رد می کنند. شکست در جلوگیری از جنایات جنگی، شکست کل سیستم و حاکمیت است. به نظر می رسد که کل کابینه جنگی، وزرای کابینه یا سرویسهای مختلف دولتی مسئول اجرای جنایات جنگی توسط ارتش اسرائیل هستند.

نظام حقوقی اسرائیل در خط مقدم است. هیچ اقدامی برای جلوگیری از ارتکاب جنایات جنگی و جنایت علیه بشریت توسط ارتش اسرائیل به عمل نمی آورد. مقامات قانونی، دادستان کل وزارت دادگستری و دادستان کل ارتش اسرائیل آنچه را که برای رعایت قوانین بین المللی لازم است انجام نداده اند.

حقوقدانان اسرائیلی نیز در فضای انتقام جویانه ای که ارتش اسرائیل را هدایت می کند گرفتار شده اند. مقامات اسرائیلی گفتند ما می خواهیم غزه را نابود کنیم، همه فلسطینیها جنایتکار و تروریست هستند، همه فلسطینیهای غزه یک هدف قانونی هستند. و وکلا هم هیچ کاری برای ممانعت آنها

انجام ندادند. این همان چیزی است که تصمیم کریم خان بدان دلالت می کند.

م. پ: آیا این تصمیم در عمل عواقبی خواهد داشت؟

م. ک: یقیناً بر اجرای عملیات نظامی تأثیر خواهد گذاشت. کریم خان گفت که تیم او به کار تحقیق و جمع آوری شواهد جنایات جنگی و جنایت علیه بشریت در چارچوب عملیات نظامی و بمبارانهای اسرائیل ادامه خواهد داد. من فکر می کنم این می تواند منجر به درخواست برای دستگیری رئیس ستاد و فرمانده نیروی هوایی اسرائیل شود. از این منظر، ارتش نمی تواند به عملیات نظامی در رفح ادامه دهد، زیرا نه تنها لاهه می تواند واکنش نشان دهد یا درخواست دستگیری رئیس ستاد ارتش را بدهد، بلکه به دلیل مخالفت بایدن با آن اقدامات، نیز ادامه آن دشوار خواهد شد.

در مرحله بعد، اسرائیل باید یک بار دیگر پیشنهاد آتش بس را مورد بررسی قرار دهد. به نظر می رسد که جنگ در شرف پایان است. ارتش اسرائیل آماده شده بود در لبنان همان کاری را که در غزه می کند، تنجم دهد یعنی تخریب بخشهای وسیعی از بیروت، که مقر حزب الله در آن قرار دارد. اما باید این نقشه ها را کنار بگذارد.

آنچه امروز بر اسرائیل مسلط است و نظام آن را تعریف می کند، برتری یهودیان است.

م. پ: آیا شرایط پایان جنگ فراهم شده است؟

م. ک: توجه داشته باشید که، جنگ به دنبال فشارهای خارجی، و یا اگر نیروهای ذخیره از پیوستن به ارتش خودداری کنند متوقف می شود. در حال حاضر، اعتراضهایی که خواستار پایان دادن به جنگ هستند، عملاً چشمگیر نیست.

اکنون تعداد بسیار کمی از تظاهرکنندگان خواستار پایان دادن به جنگ هستند. حتی شعار "انتخابات الان" هرچند هر روز، بیشتر پشتیبانی می شود اما گسترده نیست.

اعتراضات با خواست انجام معامله ای که گروهانها را به خانه بازگرداند، هرچند بسیار فراگیر است، اما مضمون واقعی آن این است که: ما معامله می کنیم اما جنگ را پایان نمی دهیم. وقتی آتش بس تمام شود، جنگ را از سر خواهیم گرفت.

در نگاه اروپا، جامعه اسرائیل بیش از هر زمان دیگری گرفتار تفرقه به نظر می رسد. برعکس، در مورد جنگ و فلسطینی ها، هرگز اختلاف اینقدر ناچیز نبوده است. میانه روها به سمت راست و چپ ها به میانه و راست حرکت کرده است.

بخشی از جامعه می خواهد از شر فلسطینی ها خلاص شود، آنها را از نوار غزه به مصر و از کرانه باختری به اردن بفرستد. اکثریت قریب به اتفاق می خواهند با وحشیانه ترین روش بر آنها حکومت کنند. اسرائیلی ها آنها را درخور زندگی مشترک نمی دانند.

بنی گانتز [مثلاً میانه، در کابینه جنگ، یادداشت سردبیر] دیروز گفت که از عملیات رفح حمایت می کند. یائیر لاپید، که برای رسیدن به ریاست حزب کارگر رقابت می کند، می گوید اگر حزب الله تیراندازی خود را قطع نکند، او هم طرفدار اشغال جنوب لبنان است. حتی چپ میانه که طرفدار راه حل دو کشوری است، اجرای آن را به آینده ای دور موکول می کند. امروز هیچکس جایگزین واقعی برای سیاستهای نتانیاها ارائه نمی دهد.

مدیا پارت - ۲۲ می ۲۰۲۴

... کارگران "ارکان ثالثی" کدام بخش از نیروی کار هستند و چه میخواهند

ادامه از صفحه ۱

اعتراضات کارگران یا با اخراج و زندان پاسخ داده می‌شود و یا اینکه با دادن وعده و وعید و ایجاد تفرقه و دو دستگی بین کارگران، آنها را امیدوار کرده و به سرکارهایشان می‌فرستند. کارگرانی که به آنها "ارکان ثالثی" می‌گویند از جمله نیروی کار گرفتار در چنبره این بی‌حقوقیها هستند که دیروز ۱۸ خرداد برای چندمین بار دست به تجمع اعتراضی زدند.

کدام کارگران "ارکان ثالثی" خطاب میشوند؟

تقسیم بندی نیروی کار به ارکانهای مختلف از جمله "ارکان ثالث" اختراع دولت و سرمایه داران ایران برای دوران نئولیبرالیسم است. واژه‌ای مهم برای پوشاندن شکل برده‌دارانه استثمار نیروی کار و بیرون کشیدن ارزش اضافی مطلق، طراحی شده است، عنوانی که ستمگری و بی‌قانونی و استثمار مضاعف و بی‌حقوقی کارگر را در خود مستور میدارد، آن را محق و ابدی و نورمال جلوه میدهد.

خیلی ها وقتی چنین نامی را در جایی میخوانند و یا می شنوند در می‌مانند که منظور از "ارکان ثالث" کارخانه است و یا محل کار است یا حسینیه سینه زنی، و یا با مبانی حدیث و اکتومهای سه گانه مسیحیت طرفند! حقیقتاً که طبقه حاکم ایران در فریب و حقه بازی در جهان رقیب ندارد.

آنها و کارگزارانشان بیش‌تر از آن هستند که از اعلام حقیقت استتار شده پشت این واژه عرق شرم بر پیشانی شان بنشینند. بلکه آنها از بازگوئی این حقیقت رو به جامعه وحشت دارند که منظور

از "ارکان ثالثیها" نیروی کار شرکتی، پیمانکاری، قرارداد موقت و سفید امضاء، روزمرد و بطور کلی شیوه بهره‌کشی برده دارانه‌ای است که زیر چتر آن نیروی کار از گونه حق و حقوق و حتی مزایای مذکور در قانون کار دست پخت خود رژیم نیز برخوردار نیستند.

تشکیل میدهند. این کارگران بعد از اعتراضات مکرر و عملی نشدن خواست هایشان از روز ۱۸ خرداد بار دیگر مقابل دفتر مرکزی شرکت ملی حفاری در اهواز دست به تجمع اعتراضی زده اند.



مکعب گرفته از کانال تلگرامی اتحادیه آزاد کارگران ایران

به موازات آن، کارگران "ارکان ثالث" نفت و گاز گچساران نیز به اعتصاب و تجمع مشابه ای دست زدند. آنها خواستار پایان دادن به پیمانکاریها، رفع تبعیض میان نیروهای رسمی و قراردادی، طبقه‌بندی مشاغل، بهداشت و ایمنی محیط کار و غیره هستند. با این وجود کارگرانی که کارد به استخوانشان رسیده است دست از مبارزه برنداشته‌اند و همچنان برخواست‌هایشان پای میفشارند.

یکی از کارگران پیمانکار حفاری ملی در پاسخ به خبرنگار ایلنا میگوید: مدیران وزارت نفت بایستی پاسخگو باشند چطور است که برای کارکنان رسمی و قرارداد مستقیم در موضوعات بن کارت و نفت کارت مسائلی مانند بار مالی مطرح نمی‌شود و یک شبه همه هماهنگی‌های لازم در شرکت‌های تابعه صورت می‌پذیرد و پرداخت‌ها نیز در سریع‌ترین زمان ممکن انجام می‌گیرد اما کارکنان ارکان ثالث (شرکتی-پیمانکاری) که

پیمانکاران مختلف در این حوزه فعال هستند واسطه‌هایی که با قراردادهای سفیدامضاء کارگران را به بند کشیده‌اند، اخراج و بیکارسازی را همچون شمشیر داموکلس بالای سر کارگران نگهداشته‌اند.

آنها که واسطه‌ی بین نیروی کار و کارفرمای اصلی هستند درحالی‌که یک بخش از دسترنج کارگران را به جیب میزنند، در برابر تشدید استثمار و تحمیل بی‌حقوقی و اعمال ظلم و ستم بر کارگران، دست‌مزد اندک، تعلیق حقوق، عدم پرداخت مزایای قانون کار، نبود بهداشت و ایمنی محیط کار، ایاب و ذهاب و غیره پاسخگو نیستند و از طرفی دولت و کارفرماهای اصلی هم به بهانه تعهد پیمانکار و اجاره ای بودن نیروی کار از قبول مسئولیت قانونی در قبال کارگران شانه خالی می‌کنند. به این کارگران می‌گویند "ارکان ثالثی!"

امروز بیش از ۶۵ درصد کارگران نفت و گاز و پتروشیمی و حفاریها را کارگران "ارکان ثالث"

پرتعدادترین و موثرترین کارکنان این صنعت

عظیم هستند، با پاسخی مبهم روبرو می‌شوند؛ این رفتار جز ضعیف‌کشی نام دیگری دارد؟

مگر وزارت نفت نقش نظارتی و مدیریتی بر شرکت‌های تابعه ندارد؟ پس چرا فرافکنی می‌کنند و می‌گویند ما مسئولیتی در قبال رفتار شرکت‌های پیمانکاری نداریم؟!

اشاره این کارگر به اعتصابات گسترده سال گذشته است که در پی سالها تجمع، تظاهرات و اعتصاب بی نتیجه، مجدداً به میدان آمدند و در بخش‌های مختلف صنعت نفت، پتروشیمی و فولاد، به اعصاب و تجمعات گسترده دست زدند .

در این اعتصابات خواسته‌های کارگران صورت منسجم‌تری بخود گرفت. همچون حذف کامل شرکتهای پیمانکاری، اجرای کامل و دقیق فاز دوم طرح طبقه‌بندی مشاغل، رفع تبعیض در پرداخت مزایای مزدی، تخصیص بن کارت و مزایای کار سخت و زیان آور ضمن اشتغال، رسیدگی فوری به شرایط کار پر خطر، غیر ایمن و غیر استاندارد محیط‌های کاری، بهره‌مندی از تسهیلات بانکی بدون تبعیض و برابر با سایر ارکان نفت...

آنها با طرح خواسته‌های فوق‌الذکر سعی کردند منافع همه کارگران قرارداد موقت ، روزمزد ، حجمی کار و غیره را مد نظر قرار داده و برای به کرسی نشاندن خواسته‌هایشان نیروی بیشتری را بسیج کنند

و به همین دلیل بود که نمایندگان کارفرما و دولت بعداز توپ و تشرها و تهدیدات اولیه مجبور شدند تن به مذاکره بدهند و در این مذاکرات نمایندگان دولت و کارفرماها بظاهر عقب‌نشینی کردند و با

وعده‌ی اجرای برخی از خواسته‌های کارگران، توانستند آنها را سرکار بفرستند . تصمیمی که کارگران نمی‌بایست زیر بار آن می‌رفتند .

کما اینکه بعد از گذشت ماه‌ها از آن توافقات، هنوز

بخش زیادی از کارگران ارکان ثالث با در نظر گرفتن تجربیاتی که پشت سرگذاشته‌اند به این واقعیت پی برده‌اند که برای رسیدن به



خواست‌هایشان نباید به وعده وعید های دولت و کارفرماها دل ببندند، چون سیاست ضد کارگری مافیای قدرت و ثروت جزئی از استراتژی آنها در برابر نیروی کار محسوب میشود و در این عرصه بسادگی پا پس نخواهند کشید و تا میتوانند از طریق سرکوب و ایجاد تفرقه و دودستگی میان کارگران در مقابل اعتصابات و اعتراضات ایستادگی خواهند کرد و تنها اتحاد و همبستگی کارگران و گسترش دامنه اعتراضات و اعتصابات همبسته است که میتواند روزه امید و چشم انداز پیروزی کارگران را ممکن سازد .

در این عرصه وظیفه کارگران پیشرو است که تلاش کنند بخش وسیعتری از کارگران ارکان ثالث را نسبت به منافع خودشان و لزوم اتحاد و اتفاق در مقابل سرمایه داران و دولت آگاه سازند و مانع از آن شوند که دولت و کارفرماها با تهدید و تطمیع بدنه کارگری را از بخش پیشرو و مبارز جدا کرده و اعتصابات و اعتراضات را در هم شکنند .

هیچکدام از وعده وعیدهای دولت و کارفرماها اجرا نشده است و طبق روال قبلی، سیاست تهدید و تفرقه و سردواندن کارگران را درپیش گرفته اند.

در همین رابطه یکی دیگر از کارگران شرکت کننده در تجمع روز گذشته میگوید:

” همه مطالبات کارگران شرکتی در اعتراض صنفی اخیر، همان‌هایی بودند که در نشست بهمن‌ماه سال قبل در محل ریاست جمهوری در موردشان توافق شده بود و قرار بود تا اردیبهشت امسال برآورده شوند؛ مهم‌ترین خواسته‌ی ما حذف کامل پیمانکاران است، پیمانکاران باید بروند .به خصوص در مشاغل غیرپروژه‌ای حضور پیمانکاران در نقش دلال نیروی انسانی کاملاً غیرقانونی‌ست؛ علاوه بر این مطالبه اصلی، استقرار نظام هماهنگ و عادلانه برای پرداخت، همسان‌سازی با بازرینی طرح طبقه‌بندی و تخصیص مزایای مزدی مانند بن کارت و نفت کارت، از دیگر خواسته‌های

گرامی باد یاد ستاره سرخی به نام سعید سلطانیپور

آخرین سرود

دو شعر در من سرود شد
 دو شعر نوشتم
 بی آنکه آرامشی در من بیارد
 در «عشق»
 از بادبان‌های دست‌هایت
 که دو تسلیم اند
 و در «یگانگی»
 از دوستان‌زادایی
 که ندادم
 سخن گفته‌ام
 مرا شعری دیگر باید
 شعری که من ندانم چیست
 شعری که آرامش را
 مثل رطوبت خاک‌های کهنه
 در من بیدار کند
 من هرگز شعر نساخته‌ام
 من خود، لحظه‌هایی، شعر بوده‌ام
 من خود را نوشته‌ام
 در من، درخت‌ها کلمه بودند
 چشمه‌ها کلمه بودند
 ستاره‌ها کلمه بودند
 و شعر من
 تصادم ستاره و درخت بود
 فوران درخت چشمه بود
 چیزی بود که بیودا می‌کوشم تفسیرش کنم
 آهونی با ساق‌های خیس
 بیکرانی از علف‌های پر شبنم
 ورزش‌های خنک
 چرانی
 سلاسه
 سلاسه
 پرش شبنم‌ها در گذرگاه آهو
 و اینهمه
 سرشارم نمی‌کند
 می‌خواهم گریه کنم



رفیق سعید سلطانیپور، فدائی
 خلق، شاعر و هنرمند
 انقلابی، در بیست و هفت
 فروردین سال ۱۳۶۰ در
 مجلس عروسی‌اش توسط
 دژخیمان تازه بقدرت رسیده
 دستگیر و در بامداد اول
 تیر همان سال به جوخه
 اعدام سپرده شد.

توده‌های مردم می‌زیست و پیشگام مبارزه علیه
 ستم و استثمار و استبداد و خودکامگی حاکمان بود.

او جان و زندگی‌اش را وقف مبارزه برای تحقق
 آرمان‌های انسانی، آزادی و سوسیالیسم می‌کرد و
 زندان و شکنجه و تهدیدات رژیم شاه و شیخ
 کوچکترین تاثیری در روحیه رزمنده و انقلابی
 وی برجای نمی‌گذاشت. همانطور که
 در زندان مقاوم و بر آرمان‌های استوار بود، به
 محض اینکه از زندان آزاد می‌شد، چهره کریه
 استبداد شاهنشاهی را افشا می‌کرد و به ترویج
 آزادی و سوسیالیسم می‌پرداخت.

سعید با آثار خودش در قالب شعر و تاتر و ادبیات
 شعله مبارزه و ضرورت و امکان تغییر را در روح و
 روان جوانان و انقلابیون و پیشروان جنبش جاری
 می‌ساخت. سعید هنرمندی بود در کنار توده‌های
 زحمتکش و تلاش‌میکرد از مبارزات و زندگی
 واقعی طبقات کارگر و محروم جامعه پرده‌برداری
 کند و واقعیات را مستند سازد و روند تاریخی
 مبارزه طبقاتی را هنرمندانه به تصویر بکشد. یاد
 سعید سلطانیپور در مبارزه برای آزادی
 و سوسیالیسم و مبارزه برای رهائی از ستم
 و استثمار و زور و سرکوب، همیشه زنده و جاوید
 خواهد بود.

بعد از گذشت دو سال از قیام ۱۳۵۷ ارتجاع تازه
 بقدرت خزیده با به خاک و خون کشیدن
 جنبش‌های اجتماعی و احزاب و سازمانها و نهادهای و
 تشکلهای کارگری از سال ۶۰ حاکمیت
 ضدانقلابی خود را تحکیم کرد و دستاوردهای قیام
 توده‌ها و آزادی‌های نیم‌بند سیاسی موجود را نیز
 بشدت سرکوب و صدای هرگونه آزادی‌خواهی را
 با گلوله و زندان و اعدام پاسخ میداد.

سعید سلطانیپور این هنرمند پیشرو و انقلابی جزو
 اولین دسته از انقلابیون بود که بعد از ۶۶ روز
 مقاومت در برابر شکنجه‌گران در صبحدم اول تیر
 سال شصت، در حالیکه شعار میداد، زنده باد
 آزادی، زنده باد سوسیالیسم، تیرباران شد و از آن
 پس تاکنون مبارزه بین انقلاب و ضد انقلاب
 لحظه‌ای فروکش نکرده است و در این سالهای
 سیاه، مبارزات سعید و مقاومت او در برابر زندان
 و شکنجه‌گاه‌های شاه و شیخ و پایداری وی در راه
 آرمان آزادی و سوسیالیسم و نیز سروده‌های او
 الهام‌بخش مبارزه‌ی کارگران و زحمتکشان و زنان
 و جوانان بوده است.

سعید سلطانیپور، نه تنها زندگی و مبارزه توده‌های
 زحمتکش مردم و آرزوها و آرمان‌های آنها را در
 آثارش منعکس می‌کرد بلکه خود در میان

... ادامه نسل کشی در فلسطین

و جنایت هولناک در رفح

ادامه از صفحه ۱

... و محل اسکان و چادرهای آنها نیز توسط بمب‌های آمریکائی به آتش کشیده شدند. بسیاری از قربانیان این حمله وحشیانه زنان و کودکان بودند. شبکه های تلویزیونی تصاویری جانکاه از اجساد زخمی و سوخته شده کودکان را نشان دادند.

طبق گزارشات سازمان ملل، بعداز حملات اخیر به رفح، بیش از ۱ میلیون فلسطینی که در این اردوگاه ها پناه گرفته بودند، آواره شده اند. علاوه بر آن گذرگاه رفح مبادی اولیه کمک رسانی به آوارگان فلسطین بود که اکنون با مسدود شدن آن، خطر مرگ از گرسنگی و بی‌امکانی جان میلیونها فلسطینی را تهدید میکند. این منطقه را خود ارتش اسرائیل بعنوان منطقه امن برای پناهندگان تعیین کرده بود! از اکتبر سال گذشته تاکنون بیش از ۳۶ هزار فلسطینی کشته ، ۸۰ هزار زخمی و عده بیشمار دیگری هنوز زیر آوارهای ناشی از بمباران مناطق مسکونی مدفون شده اند.

دو روز قبل از این حملات، بر اساس حکم دادگاه بین المللی دادگستری، اسرائیل میبایست فوراً حمله به رفح را متوقف میکرد. اما تجربه نشان داده است که اسرائیل تحت حمایت غرب به رهبری امپریالیسم آمریکا، از بدو تاسیس‌اش تا کنون هرگز کوچکترین وقعی به مصوبات سازمانهای بین المللی ننهاده است و تمام قطعنامه های سازمان ملل را زیر پا گذاشته است بدون اینکه مجازاتی متوجه آن بشود. چرا که اسرائیل تاسیس شده است تا منافع اقتصادی، سیاسی و ژئوپلیتیک آمریکا و دیگر کشورهای امپریالیستی غرب در منطقه را پیش ببرد.

بی جهت نیست که برغم اعتراضات گسترده مجامع بین‌المللی وافکارعمومی جهان نسبت به نسل‌کشی در غزه، سیل سلاح های کشتار جمعی توسط آمریکا وسایر کشورهای غربی به سوی اسرائیل سرازیر میشود و یا قطعنامه های سازمان ملل مبنی بر اعلام آتش بس و توقف جنگ، یکی پس از دیگری توسط آمریکا وتو میشوند.

واقعیت این است که پشت دعاوی و ادعاهای توجیه گرانه کشورهای غربی برای حمایت از نسل‌کشی اسرائیل در فلسطین، منافع اقتصادی کلان و رقابت های ژئوپلیتیک نهفته است. روشن است که در چهارچوب این استراتژی، توهم به حل مشکل هشتاد ساله فلسطین با تحریک احساسات انسان‌دوستانه در میان رهبران قدرتهای امپریالیستی غرب، هیچ جایگاهی ندارد.

پیروز باد مبارزات رهایی بخش طبقه کارگر وتوده های زحمتکش فلسطین

زنده باد آزادی و سوسیالیسم

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست
دهم خرداد ماه ۱۴۰۳



تردیدی نیست که روشنگری افکارعمومی، سازماندهی اعتراضات و شرکت در گردهم‌آیی‌ها در اعتراض به نسل‌کشی در فلسطین، دفاع از حق تعیین سرنوشت آنها تاثیرات انکارناپذیری در تغییر توازن قوا به نفع توده‌های محروم و ستم‌دیده مردم فلسطین و پایان خونریزی دارد و وظیفه هر انسانی است که در این اقدامات شرکتی فعال داشته باشد.



عکس گرفته از اینترنت

“درسهایی از مائو”

فعالین داخل کشور

سانسور گسترده، پروپاگاندا و وارونه جلوه دادن حقایق از جمله مواردی است که در بورژوازی به وفور یافت میشود. هر کس علیه اقلیت ثروتمند و قدرتمند بنویسد، حرف بزند یا اقدام کند قربانی دستگاه لجن پراکنی سرمایه داران میشود. و در این بین، مارکسیست ها اصلی ترین هدف اند!

برای نمونه کافیس نام مائو، رهبر انقلاب بزرگ چین را در اینترنت جستجو کنید. با انبوهی از اتهامات، قتل عام ها، فسادها و فجایع روبرو خواهید شد که مقصر همگی آنها کسی نیست جز مائو تسه تونگ! هر چند بورژوازی همیشه سعی در تخریب شخصیت و عملکرد چپ ها داشته و دارد و در این راه از هر ترفندی استفاده کرده و میکند اما این در مورد برخی از مارکسیست ها بسیار شدیدتر بوده و متأسفانه باید گفت تا حد زیادی نیز موفق بوده است!

یکی از مهم ترین این افراد مانوست. تلاش برای لکه دار ساختن رهبر انقلاب چین، به حدی زیاد بوده که بسیاری از چپ ها نیز پذیرفته اند که او یک قاتل بالفطره بوده و کاری جز خونریزی و کشتار زنان و کودکان نداشته! پاسخ به لاطائلات قلم بدستان بورژوازی خصوصا در مورد خاص مائو، نیازمند چندین جلد کتاب است که علیرغم تلاشهایی در این زمینه که لازم است صورت گیرد.

اما در این جا به صورت خلاصه مروری

خواهیم کرد بر چند درس بزرگ که میتوان بعد از حدود نیم قرن از مرگ رهبر خلق چین آموخت. بازخوانی و بازنویسی مارکسیسم-لنینیسم از مهم ترین اقدامات مائو بود. تسه تونگ، هر چند شدیداً به مارکسیسم و اصولش وفادار و معتقد بود اما همچنان که خودش میگفت: دگماتیسم را از تپاله ی گاو هم بی ارزش تر میدانست و این انعطاف پذیری علمی وی سبب شد آنچه بعنوان مارکسیسم-لنینیسم تلقی میشد را بومی سازی کند و منطبق با شرایط و وضعیت چین دوباره نویسی کند.

از مهم ترین تفاوت هایی که چین آن دوره با روسیه پیش از انقلاب داشت، نوع و پراکندگی کارگران بود. کارگران شهری در روسیه و کارگران روستایی یا همان دهقانان در چین در اکثریت بودند و این خود یک تضاد بین جامعه چین و اصول مارکسیسم-لنینیسم تلقی میشد. مائو اما با تیزهوشی این تضاد را بخوبی درک و حل کرد. او کانون مبارزه را از کارگران شهری به دهقانان روستایی منتقل ساخت.

جمعیت بالای روستائین چین سبب شد این انتقال مبارزاتی به عنوان نیروی پیشران عمل کرده و در انقلاب چین نقش بسزایی داشته باشد. یکی دیگر از اقدامات مهم و درخشان مائو توجه و اهمیت دادن به جنگ چریکی بود. موضوعی که تا همین حالا به یکی از بغرنج ترین و بحث برانگیز ترین مسائل درونی چپ ها بدل شد.

مائو، ترکیب جنگ چریکی با اتحاد دهقانان روستایی را محرک اصلی جنبش انقلابی میدانست. او معتقد بود “از یک جرقه حریق برمیخزد”.

برخلاف نظر سوسیالیست هایی که یگانه نیروی انقلابی را توده ی مردم آگاه از وضع طبقاتی میدانستند، مائو اعتقاد داشت در نهایت قدرت سیاسی از لوله ی تفنگ خارج میشود و این به معنای تعریف نیرویی جدید برای مبارزه با بورژوازی بود.

نبردهای چریکی نقش مهمی در انقلاب چین ایفا کرد و بعد تر دومینو وار در بسیاری از نقاط جهان نیز شکل گرفت. از انقلاب کوبا به رهبری فیدل و ارنستو تا شکل گیری نهضت های مسلحانه مخالف رژیم شاه در ایران نظیر فداییان خلق.

در مورد میزان موفقیت رژیم های سرکار آمده از طریق جنگ چریکی و نیز دلایل عدم موفقیت بسیاری از این نهضت ها بحث طولانی و مفصل است که در فرصت مناسب بررسی خواهد شد اما جریان سازی و موتور محرک بودن انقلاب چین پس از انقلاب روسیه، انکار ناپذیر است.

مائو همچنین به بهتر و بهتر شدن در همه موارد اعتقاد راسخ داشت. او بهبود در تئوری و پراتیک را اوجب واجبات میدانست. مائو بر این مثل چینی تاکید داشت: “پاشنه ی در هرگز موریانه نمیزند!” یعنی حرکت دائم و پرهیز از سکون، مانع فساد است! بازخوانی دوباره و دوباره تزه های موجود، اصلاح امور و سعی دائم در بهبود وضع پراتیک از خواسته های مائو بود.

مائو به خوبی یادآوری میکرد که: “هرجا ظلم هست، مقاومت نیز هست.” او میگفت تنها باید مقاومت را تحکیم بخشید و آنرا تشدید ساخت. تسه تونگ در پاسخ به اپورتونیست ها و چپ و راست هایی که به

... “درسهایی از مائو”

ادامه از صفحه ۱۰

اصطلاح خودشان را ضد جنگ و مخالف خشونت میدانستند، گفت:

... “جنگ را بوسله‌ی جنگ میتوان برانداخت، برای اینکه دیگر تفنگی در میان نباشد، باید تفنگ به دست گرفت!”

مائو بخوبی میدانست اگر دستت خالی باشد نمیتوانی در یک جنگ نابرابر، از دشمن انتظار صلح داشته باشی!

تاریخ این گفته‌ی مائو را بخوبی تایید کرد و نشان داد در برابر دشمنان انسان و انسانیت نمیتوان دست خالی ماند و برای نابودی ظلم و ستم دعا کرد!

مائو بخوبی میدانست تمام جامعه فرودست چین را باید با انقلاب همراه سازد از این رو برای کارگران صنعتی، هشت ساعت کار و برای دهقانان، اصلاحات ارضی را به ارمغان آورد.

علیرغم تمام تلاش‌های مذبحانه رسانه‌های جریان اصلی، اکنون میراث بزرگی از مائو برجای مانده است که میتواند برای هر انقلابی، هرمارکسیست و هر انسانی که از جور و ستم‌های سرمایه‌داری به ستوه آمده، همچون چراغ راهی درخشان عمل کند و

راهنمای وی باشد. هرچند همانطور که خود مائو نیز میگفت: “عمل کننده، اشتباه کننده نیز هست!” و این نشان میدهد هیچ شخص، فکر یا عملی را نباید بری از خطا و مقدس پنداشت!

همین حالا و با آنکه سالها از نگارش نوشته‌های نظامی مائو میگذرد، یکی از اصلی‌ترین منابع تئورسین‌های نظامی همین نوشته‌هاست. و واپسین نکته اینک باید مائو خواند، آموخت و نقد کرد و نیز با دستگاه عریض و طویل لجن پراکنی بورژوازی که دائما سعی در تخریب مارکسیسم و مبارزینش دارد به مبارزه برخاست.

“کاوه دهقان”

از برنامه سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

وقتی که زمینه‌های مساعد برای برقراری سوسیالیسم فراهم گردد، طبقه کارگر با انقلاب اجتماعی خود و با برانداختن سیادت سیاسی استثمارگران سیادت سیاسی خود را برقرار میسازد.

سرنوشتی کامل استثمارگران هنگامی ممکن است که طبقه کارگر بدل به طبقه حاکمه گردد که قادر است مقاومت ناگزیر و تا پای جان استثمارگران را درهم شکند و توده‌های زحمتکش مردم را برای شکل نوین اقتصاد و سیاست متشکل سازد.

رہایی طبقه کارگر تنها بدست خود وی میسر است. چرا که تمام اقشار و طبقات دیگر جامعه علیرغم اختلافاتی که با هم دارند، اما در حفظ شالوده‌های نظم سرمایه‌داری دارای منافع مشترکند.

شرط لازم برای تحقق انقلاب اجتماعی طبقه کارگر، ساختمان سوسیالیسم و گذار به جامعه کمونیستی، دیکتاتوری انقلابی طبقه کارگر است که قادر است مقاومت استثمارگران را درهم شکند. اگر در دمکرات‌ترین جوامع سرمایه‌داری (همچنانکه در آستانه قرن بیست و یکم نیز با وضوح بیشتری شاهد هستیم) دولت بمثابه ماشین ویژه‌ای برای سرکوب، آنهم سرکوب اکثریت، بدست اقلیت ناچیز جامعه عمل میکند و برای حفظ حریم مقدس مالکیت در طول تاریخ نهایت سبوعیت و بیدادگری را بخرج داده و دریایی از خون بردگان، دهقانان و کارگران مزدی براه انداخته، طبقه کارگر و اکثریت مردم استثمار شده و ستم‌دیده نیز در دوران گذار از سرمایه‌داری به کمونیسم و برای حفظ و حراست از مالکیت اجتماعی بر وسایل تولید و مبادله، مقاومت اقلیت استثمارگر و تلاش آنها برای احیای بهشت از دست رفته‌شان را درهم می‌شکنند

کار کمونیستی

نشریه سیاسی و تحلیلی
کار کمونیستی علاوه بر انعکاس
مواضع، نظرات و تحلیل های
سازمان، انعکاس دهنده مسائل
سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و
فرهنگی و تاریخی از منظر دیدگاه
های مختلف نیز هست. تحریریه
نشریه از میان مطالب رسیده انتشار
مطالبی را انتخاب و در الویت
قرار خواهد داد که مستقیماً برای
این نشریه ارسال شده باشند لذا
انتظار داریم انعکاس این مطالب
در سایر نشریات و سایت ها با ذکر
منبع و نام نویسنده صورت گیرد.
از طریق ایمیل ادرس زیر
نظرات، پیشنهادات و انتقادات خود
را با در میان بگذارید .

kar@fedayi.org

تماس با سازمان اتحاد فداییان

کمونیست

روابط عمومی

webmaster@fedayi.org

تلگرام

<https://t.me/fedayi1349>

اینستاگرام

[@fedayi_communist](https://www.instagram.com/fedayi_communist)

صدای فدائی

[@fedayi.voice](https://www.youtube.com/@fedayi.voice)

حمید نوری محکوم به حبس ابد، از زندان سوئد آزاد و وارد زندانی بزرگتر بنام ایران شد



آقایان و خانم ها! دموکراسی بورژوازی همین است،
متوهم نباشید!

روز شنبه ۲۶ خرداد حمید نوری، جنایتکاری که در قتل عام زندانیان سیاسی در سال ۶۷ دست داشت و در ۱۸ آبان ۹۸ هنگام ورود به سوئد دستگیر و در یک دادرسی طولانی به جرم مشارکت در قتل عام زندانیان سیاسی و جنایت علیه بشریت به حبس ابد محکوم شده بود، از زندان سوئد آزاد و در فرودگاه تهران مورد استقبال همپالکی هایش قرار گرفت. از همان ابتدای صدور رای نهائی دادگاه و محکومیت حمید نوری به حبس ابد، خیلی ها بر این باور بودند که سرانجام دولت سوئد حمید نوری را آزاد و به ایران تحویل خواهد داد. اما متوهمین زیادی هم بر این باور بودند که با توجه به استقلال قوه قضائیه و آزادی مطبوعات و آگاهی نسبتاً بالای مردم در دموکراسی سوئد، این امکان وجود ندارد که حمید نوری بعد از محکومیت قطعی در دادگاه عالی سوئد، توسط دولت این کشور آزاد و به ایران تحویل داده شود.

آنها تجربیات تاریخی را فراموش کرده و این واقعیت را انکار میکردند که در دموکراسی بورژوازی قوانین مربوطه، از جمله استقلال قوا، تا جائی محترم است که منافع طبقه حاکم را به خطر ناندازد و زمانی که این منافع به خطر بیافتد (همچون جمهوری اسلامی که برای حفظ حاکمیت اش حاضر است اصول دین را هم زیر پا بگذارد)، در اینجا نیز تفکیک قوا، حقوق بشر و دموکراسی، واژه های سست و بی معنی خواهند بود. رهبران دموکراسی های بورژوازی که در دفاع از نسل کشی فلسطینی ها توسط دولت نژاد پرست اسرائیل و جنگ افروزی در اقصی نقاط جهان کوس رسوائی شان بر سر هر بام زده شده و ورشکستگی اخلاقی شان را به تمامی به نمایش گذاشته اند، هرگز منافع اقتصادی و سیاسی خود را فدای اجرای عدالت نکرده و نخواهند کرد .

با این وجود تحویل دادن حمید نوری به ایران توسط دولت سوئد، به هیچ وجه نافی تلاش بی وقفه دادخواهان و وکلایشان در محکومیت حمید نوری به جرم مشارکت در قتل عام زندانیان سیاسی و جنایت علیه بشریت، توسط دادگاه های سوئد نیست و این دستاورد تاریخی ارزشمند غیر قابل ستاندنی است . حمید نوری در فرودگاه تهران با تمسخر خطاب به دادخواهان اعلام کرد که: ببینید من حمید نوری، حمید عباسی در تهران هستم . اما وی فراموش کرد که بگوید از زندان سوئد آزاد شده و وارد زندانی بنام ایران شده است که با توجه به مهر محکومیت به جرم مشارکت در کشتار زندانیان سیاسی و جنایت علیه بشریت بر پیشانی، همیشه در ترس و اضطراب بسر برده و برای فرار از دید ملت و هراس از اجرای عدالت به دنبال لانه موشی برای قائم شدن خواهد بود.
و به متوهمین هم باید گفت که آقایان و خانم ها! دموکراسی بورژوازی همین است ، متوهم نباشید.

درود به همه شهدای راه آزادی و سوسیالیسم
درود به همه خانواده ها و همه دادخواهان و تلاشگرانی که به دنبال اجرای عدالت و پاسخگو کردن جنایتکارانی هستند که دستشان بخون مبارزان آغشته است.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی

زنده باد آزادی و زنده باد سوسیالیسم

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست ۲۷ خرداد ۱۴۰۳

کار، مسکن، آزادی، جمهوری فدراتیو شورائی !